



جستار و روش (نشریه الکترونیک مرکز مطالعات پیشرفته روش)
سال اول، جستار شماره ۱؛ انتشار ۱۳۴۰/۳/۸/۲۷

پول حکومتی یا پول خودجوش؛ نزاع فکری مکتب اتریش با پول نومیالیستی، نوشتار اول

سید امیرحسین شکرآبی

پژوهشگر مرکز مطالعات پیشرفته روش

مشخصات کتابشناختی این اثر:

شکرآبی، سید امیرحسین (۱۴۰۳). پول حکومتی یا پول خودجوش؛ نزاع فکری مکتب اتریش با پول
نومیالیستی، نوشتار اول، جستار و روش (نشریه الکترونیک مرکز مطالعات پیشرفته روش)، سال اول، جستار
شماره ۱. نشانی دسترسی اینترنتی:

<http://raveshcenter.com/jostar&ravesh/Vol.1/jostar1.pdf>

مرکز مطالعات پیشرفته روش

<http://www.raveshcenter.com>

Email: info@raveshcenter.com

نشریه الکترونیک «جستار و روش»، به‌طور خاص برای انتشار بخشی از تأملات و تحقیقات پژوهشگران با
تمرکز بر مسئله عام «توسعه» منتشر می‌شود. برای دسترسی به مقالات نشریه الکترونیک «جستار و روش»
به سایت این نشریه مراجعه کنید.

<http://www.raveshcenter.com/jostar>

پول حکومتی یا پول خودجوش؛ نزاع فکری مکتب اتریش با پول نومیالیستی، نوشتار اول

سید امیرحسین شکرآبی

پول از منظر اقتصاد اتریشی یک تسهیلگر مبادلاتی است که ارزش آن به طور ذهنی تغییر می‌کند و وظیفه آن چیزی جز امکان‌پذیری بیشتر و افزایش سهولت مبادله نیست. نگرش اتریشی، معطوف به کالایی دیدن پول بوده و مقصود از پول کالایی بیشتر ناظر بر فیزیکی بودن پول است. از همین رو است که از نظرگاه اتریشی، پول اعتباری به هیچ وجه امر سودمندی نیست. برخلاف نگرش اتریشی، یک نگاه دیگر در این زمینه وجود دارد که پول را صرفاً یک مطالبه یا سند بدهی می‌داند، نه یک کالای ارزشمند. به سخن دیگر، پول صرفاً حامل یک ارزشی است که صادرکننده آن، به طلبکار خود انتقال می‌دهد. روایت این جریان از رواج پول، براین اساس بوده که ارز رایج به خاطر پذیرش عمومی -یعنی اینکه مردم قبول کردند با آن مبادله کنند و آن را از یکدیگر قبول کنند- رایج شده است؛ در واقع، ضمانتی که برای تسویه پول وجود داشت موجب رواج آن شد، نه اینکه چون کالای ارزشمندی است، مورد اقبال واقع شود.

۱. مقدمه

نیستیم که مجادلاتی که در حوزه مفهوم و ماهیت پول وجود دارد را برای همیشه حل و فصل کنیم، کما اینکه ریشه این مباحث در جایی به حوزه‌های معرفت‌شناسی ختم می‌شود و در آنجا دیگر نمی‌توانیم مشابه تحلیل‌های اقتصادی برای گزاره‌های خود قطعیت لازم را داشته باشیم. بنابراین تلاش ما صرفاً حرکتی برای خراشیدن سطح مباحثی است که دروازه ورود عمیق به حوزه مفهوم پول خواهد بود.

پول چیست؟ آیا پول موجب رفاه ما شده یا رفاه ما مستقل از وجود پول است؟ ارزش پول چگونه محاسبه می‌شود؟ چرا برخی پول‌ها با ارزش‌ترند؟ ارتباط پول با قیمت‌ها چیست؟ چرا پول را ذخیره می‌کنیم؟ اینها سؤالاتی هستند که شاید در ابتدای تفکر هر کسی در باب پول ایجاد شده باشد؛ سؤالات ظاهراً ساده‌ای که کماکان پاسخ مورد اجماعی میان کارشناسان اقتصادی ندارند. ما نیز بر آن



شود، کارکرد خود را کاملاً انجام می‌دهد (منگر، ۱۳۹۴: ۲۵۴).

اگر بخواهیم تعریف دقیق‌تری از پول در نگاه اتریشی ارائه دهیم باید بگوییم پول یک واسطه مبادلاتی است که ارزش آن به طور ذهنی تغییر می‌کند. به عبارتی، در صورتی که افراد در خصوص منافع اقتصادی خود آگاهی بیشتری کسب نمایند، در خواهند یافت که واگذاری کالاهایی که از قابلیت فروش بیشتری برخوردارند، به طرز قابل توجهی آن‌ها را در حصول اهداف اقتصادی خاصی که دارند، یاری خواهد نمود (همان: ۱۴۴).

این نکته‌ای بود که کارل منگر به آن اشاره کرده بود و در حقیقت تصدیق این گزاره بود که ارزش این واسطه به صورت ذهنی (وابسته به آگاهی) تغییر می‌کند. منگر با ارائه نظریه ارزش ذهنی، نقش مهمی در دیدگاه پولی اتریشی ایفا کرد، به عقیده او، پدیده ارزش جزء ذاتی کالاها نمی‌باشد؛ یعنی در زمره خصوصیات آن‌ها قرار ندارد. با این حال، ارزش پدیده‌ای مستقل نمی‌باشد. یک کالا ممکن است برای یک فرد هیچ ارزشی نداشته باشد و در تحت شرایطی متفاوت برای شخصی دیگر نیز همچنان فاقد ارزش باشد. اندازه‌گیری ارزش، ماهیتاً و به طور کامل ذهنی است (همان: ۲۶۴). اما در عین حال پول وسیله سنجش ارزش نیست:

تقریباً تمامی اقتصاددانان... اجماع نظر دارند که در میان تمامی «سنجش‌های ارزش مبادله» پول مناسب‌ترین و بالتبع رایج‌ترین آن‌ها است. تنها نقضی که در خصوص این شاخص عنوان می‌شود مربوط به آن است که ارزش پول ثابت نمی‌باشد، بلکه متغیر است و از این رو، پول

نگرش‌هایی که به ماهیت پول وجود دارد یکسان نیست. تاریخ پول، منشأ پول و ارزش پول همواره مورد مناقشه مکاتب اقتصادی بوده است. هرچند تاروپود روابط اجتماعی متأثر از نهادهای قدرت است، با این وصف، می‌توانیم به یک مورد مناقشه برانگیز، یعنی حوزه پول ورود کنیم و ثمره نگاه مذکور را در این حوزه ملاحظه کنیم. برای ورود به این مبحث ابتدا دیدگاه پولی اتریشی‌ها را تشریح می‌کنیم و بعد از آن دیدگاه رقیب را با یک قرائت متفاوت طرح خواهیم کرد.

۲. پول اتریشی؛ پول کالایی

پول از منظر اقتصاد اتریشی یک تسهیلگر مبادلاتی است، و وظیفه آن چیزی جز امکان‌پذیری بیشتر و افزایش سهولت مبادله نیست؛ پول به خودی خود ابزاری برای ذخیره ارزش یا سفته‌بازی، و از همه مهم‌تر وسیله سنجش ارزش نیست؛ بنابراین اولین نکته‌ای که در تعریف اتریشی از پول باید در نظر بگیریم تأکید بر همان «واسطه‌ای» بودن پول است. به تعبیر میزس:

پول صرفاً واسطه معمول مبادله است. این فقط یک نقش واسطه‌ای دارد. آنچه فروشنده در نهایت می‌خواهد در ازای کالای فروخته شده دریافت کند، کالاهای دیگر است؛ بنابراین هر کالای تولید شده، مانند سایر کالاهای تولید شده، [دارای] قیمت است (Mises, 1974: 66). پول کاربردی غیر از آنچه ناشی از امکان به دست آوردن کالاهای اقتصادی دیگر در ازای آن است، ندارد (Mises, 1912: 118). [بنابراین] پول چیزی جز وسیله مبادله نیست و زمانی که مبادله کالاها و خدمات با کمک آن راحت‌تر از بازار مبادله انجام



واسطه‌ای قابل قبول در مبادله است... و بنابراین... استفاده از آن [واسطه] موجب شناخت بیشتر آن می‌شود... تا زمانی که [آن] کالا به سرعت به عنوان یک وسیله مبادله در جامعه، عمومی می‌شود. کالایی که عموماً به عنوان یک واسطه مورد استفاده قرار می‌گیرد پول نامیده می‌شود (Rotbard, 1994: pp 13-14).

در این نگاه هرچند پول از دل یک واسطه مبادله بیرون آمده، اما این به معنای اینکه هر چیزی می‌تواند به پول تبدیل شود نیست. پول شدن نیاز به یک سری ملزومات دارد، یا به عبارت بهتر، چیزهایی به واسطه مبادله تبدیل می‌شوند که قابلیت‌های خاصی داشته باشند: به طور کلی مردم آزادند از هر کالایی که می‌خواهند به عنوان واسطه مبادله استفاده کنند، اما واقعیت این است که در طول زمان، آن‌ها هنگامی بیشترین منفعت را از انتخابشان می‌برند که یک پول سخت را به عنوان واسطه مبادله انتخاب کرده باشند، چون پول سخت یک واسطه مبادله‌ای است که عرضه جدید آن بسیار سخت صورت می‌گیرد و حتی قابل چشم‌پوشی است... در واقعیت آن چیزی که باعث به وجود آمدن پول می‌شود بستگی به واقعیت‌های تکنولوژیکی و فناورانه جوامع دارد که شکل‌دهنده قابلیت فروش کالاهای مختلف است (آموس، ۱۴۰۰: ۳۱).

به عقیده منگر نیز، همان‌طور که اندازه بازار وابسته به تعداد مبادلات است، تعداد مبادلات نیز وابسته به ابزار مبادلات است؛ از همین رو، کالایی که در بازار قابلیت بیشترین عرضه را داشته باشد، به مرور زمان به پول تبدیل می‌شود. به تعبیر میزس، پول، مبادلات اعتباری را تسهیل می‌کند، مبادلات اعتباری در واقع چیزی نیستند به جز مبادله کالاهای فعلی با کالاهای آینده (Mises, ۱۹۹۳: ۱۴۰).

شاخص معتبری در خصوص ارزش مبادله برای زمانی مشخص را به دست می‌دهد، نه برای مقاطع زمانی مختلف. اما... این موضوع را تشریح کردم که معادل کالاها را در معنای واقعی کلمه در هیچ جای اقتصاد بشری نمی‌توان یافت، در نتیجه کل نظریه‌ای که پول را به منزله «سنجش ارزش کالا» می‌داند باطل می‌شود، چراکه اساس این نظریه مجعول است (همان: ۲۶۴).

حال، اگر پول ابزار سنجش ارزش نیست، پس چه چیزی را نشان می‌دهد؟ به عقیده منگر، تحت شرایط تجارت توسعه یافته، قاعدتاً ارزش گذاری کالاها به بهترین وجه بر اساس پول صورت می‌پذیرد، [بنابراین] می‌توان پول را وسیله سنجش قیمت‌ها نامید (همان: ۲۶۷). از همین رو، میزس هم قبول کرد پول به عنوان سنج قیمت‌های عینی، به معنای پذیرفتن پول به عنوان سنج ارزش نیست؛ زیرا ارزش ذهنی است. پول ارزش را اندازه‌گیری نمی‌کند (نورث، ۱۳۹۹: ۲۶). به تعبیر روتبارد:

هیچ پولی نمی‌تواند در هیچ جامعه‌ای به وجود بیاید مگر به عنوان وسیله مبادله (Rotbard, 2011: 890). هیچ چیزی هرگز به پول تبدیل نمی‌شود [یعنی پول ذاتاً پول است و چیزی اسماً به پول تبدیل نمی‌گردد]... [پول] فقط می‌تواند به عنوان پول به عنوان واحد وزن یک کالای تولید شده مفید در بازار ظاهر شود (Rotbard, 2006: 993). هنگامی که هر کالای خاصی به عنوان یک واسطه استفاده می‌شود، اثر مارپیچی یا گلوله برفی به جا می‌گذارد [به واسطه‌گری بیشتری می‌انجامد]. به عنوان مثال، اگر چند نفر در یک جامعه شروع به استفاده از کره به عنوان یک واسطه کنند، مردم متوجه خواهند شد که در آن منطقه خاص، کره در حال تبدیل شدن به



می‌دهد یا خیر، اهمیتی ندارد. آنچه مهم است این است که این سکه‌ها واقعاً دارای وزن ثابتی از طلا هستند و هر مقدار شمش را می‌توان به سکه تبدیل کرد (Mises, 1949, pp 428-9). استاندارد طلا یک فضیلت فوق‌العاده دارد که در آن، مقدار عرضه پول، مستقل از سیاست‌های دولت‌ها و احزاب سیاسی است. این مزیت آن است. این نوعی محافظت [از دارایی] در برابر دولت‌های ولخرج است (Mises, 2007: 65). [در واقع] برتری استاندارد طلا در این واقعیت است که ارزش طلا مستقل از اقدامات سیاسی رشد می‌کند (Mises, 1931: 90). استاندارد طلا به‌تنهایی تعیین قدرت خرید پول را مستقل از جاه‌طلبی‌ها و دسیسه‌های دولت‌ها، دیکتاتورها، احزاب سیاسی و گروه‌های فشار می‌کند. استاندارد طلا به‌تنهایی همان چیزی است که رهبران آزادی‌خواه قرن نوزدهم... آن را «پول سالم» می‌نامیدند (Mises, 1974: 185).

نگرش کالایی به پول به‌خودی‌خود موضوع غیرقابل‌هضمی نیست، می‌توان قبول کرد که پول در برهه‌های زمانی خاصی معادل ارزشی یک کالا بوده است، در واقع، صرف اینکه نگاه کالایی به پول وجود داشته، ناقض اعتباری بودن پول نیست، در ادامه مسئله اعتبار را کاملاً شرح خواهیم داد؛ اما اجمالاً مقصود این است که پول یک تعهد پرداخت یا قدرت خرید است؛ یعنی بیش از اینکه به ارزش کالایی متکی باشد، به پذیرندگی آن بستگی دارد. مسئله اینجا است که نگرش کالانگاران پولی این است که راه اعتباری دیدن پول از راه کالایی دیدن پول جداست. حتی می‌توان گفت نگرش اعتباری به پول معلول ورود یا مداخله دولت در عرصه پول است؛ وگرنه پول

35: 1912). در ادامه مباحث نشان خواهیم داد که این رویکرد از چه مشکلات تئوریکی رنج می‌برد. تا اینجا مبنای میزس و منگر تقریباً یکسان است، اما یک مورد اختلافی میان میزس و منگر جنبه انتقال ارزش پول به آینده است. منگر با اشاره به اینکه کالاهای دیگری [به‌جز پول] نیز هستند که برای این منظور [انتقال ارزش به آینده] مناسب‌تر هستند (منگر، ۱۳۹۴: ۲۶۹)، جنبه ذخیره ارزش پول را تصادفی می‌داند، چرا که جزءلاینفک ماهیت پول نیستند (همان: ۲۷۰). اما میزس اعتقاد داشت پول به‌عنوان انتقال‌دهنده ارزش در طول زمان کار می‌کند؛ به‌خاطر اینکه پول قابلیت ویژه‌ای برای ذخیره‌شدن دارد (Mises, 1912: 35). فراتر از مجادلاتی که پیرامون ذخیره ارزش بودن پول وجود داشته، نگرش اتریشی، معطوف به کالایی دیدن پول است. مقصود از پول کالایی در اینجا بیشتر ناظر بر فیزیکی بودن پول است. در چارچوب اتریشی، پول نیز همانند سایر کالاهاست و تفاوت چندانی با آن‌ها ندارد؛ کالاهایی که در یک چارچوب نظم خودجوش در بازار تولید می‌شوند.

بنابراین، عجیب نیست که از منظر عموم اتریشی‌ها، پول طلا یا پولی که بر اساس یک استاندارد طلا باشد، مطلوب‌تر از پول کاغذی است، چون از دل مبادلات بازاری و خودجوش بیرون آمده و به دلیل محدودیت‌های عرضه آن، امکان دست‌کاری سیاسی (از سوی دولت) وجود ندارد؛ به تعبیر میزس:

اینکه آیا قوانین کیفیت پول قانونی را فقط به سکه‌های طلای ضرب‌شده توسط دولت اختصاص



کارکرد اصلی پول، واسطه مبادله بودن است (باگوس و مارکوت، ۱۴۰۰: ۷۷). در غیاب اجبار دولتی، مردم به طور داوطلبانه بر روی واسطه مبادله توافق می‌کنند. نتیجه این رقابت، چند نمونه از پول کالایی (پول خوب) خواهد بود که به عنوان ابزار مبادله پذیرفته شده، انتخاب می‌شود. در مقابل، پولی که توسط دولت تعیین می‌شود و مردم مجبور به استفاده از آن هستند و مقدار آن نیز با تصمیم مدیر دولتی تغییر می‌کند، پول بدی است (همان: ۸۲).

علاوه بر مشکل فوق - رد کردن پول اعتباری به نفع پول کالایی - برخی از گزاره‌های مستتر در پول کالایی، مانند اینکه پول کالایی کاملاً از دل بازار بیرون آمده، یا دولت‌ها امکان دستبرد در پول طلا ندارند، قابل تردید است. در ادامه با بررسی بدیل این نگرش به ماهیت پول، توضیح مبسوط‌تری ارائه می‌دهیم.

۳. بدیلی به نام پول نومیالیستی

مطابق آنچه گفته شد، نگاه اتریشی به منشأ پول که تا حد زیادی به نگاه نئوکلاسیک‌ها مشابهت دارد، بیانگر این است که پول ارزش ذاتی دارد؛ چون پول یک کالا است و اتفاقاً کالایی با ارزش بالا است؛ چون به جایگاه واسطه‌گری سایر کالاها هم ارتقا یافته است. به عبارت دقیق‌تر، در نگاه اتریشی، ارزشی که برای پول متصور هستیم واقعی است؛ بنابراین به طور خلاصه، خود پول (چه با رویکرد ذهنیت‌گرایانه و چه بر اساس نظریه ارزش کار) ارزش دارد.

که از ابتدا کالایی بود، تا انتها نیز کالایی می‌ماند:

دولت‌ها به تنهایی مسئول گسترش غول چراغ جادویی هستند که مردم عادی با آن، به تکتک کاغذهایی که روی آن کلمات جادویی [ارزش پول] توسط خزانه‌داری یا سازمان‌هایی که تحت کنترل آن هستند، چاپ شده، نگاه می‌کنند (Mises, 1949, pp444-5).

از همین رو است که از نظرگاه اتریشی، پول فیات^۱ به هیچ وجه امر سودمندی نیست، مقصود از پول فیات، ارز یک کشور است که پشتوانه فیزیکی مانند طلا و نقره ندارد، بلکه پشتوانه آن دولتی است که آن را صادر کرده است. ارزش پول فیات از ارتباط میان عرضه و تقاضا و نقش آفرینی دولت حاصل شده و به ارزش کالای فیزیکی، وابسته نیست. بیشتر ارزهای کاغذی مدرن مانند دلار آمریکا، یورو و دیگر ارزهای مهم همگی پول فیات هستند؛ بنابراین، از منظر میزس اتکا به پول بدون پشتوانه‌ای که دولت‌ها قادرند آن را دستاویز مقاصد خود کنند و تبعاتش را از طریق تورم به افراد منتقل نمایند، ابداً پدیده مبارکی نیست:

پول فیات، پولی است که متشکل از علائم صرف است و نه می‌تواند برای اهداف صنعتی استفاده شود و نه می‌تواند ادعایی علیه کسی را منتقل کند (ibid, p 426, 429).

بنابراین می‌توان مجموع تفکر اتریشی در خصوص منشأ پول را در این جملات خلاصه کرد:

¹ Fiat Currency



درون خودش (به عنوان یک کالا) نیست و به وسیله هزینه تولیدش مشخص نمی شود، بلکه اعتباری (و نه ارزشی) را حمل می کند که ناشی از ضمانت نهاد قدرت است. در واقع، ضمانت استفاده از پول این نیست که پول ارزشمند است، بلکه مبادله پذیری آن از دل تضمین قدرتی که پشت آن ارز وجود دارد حاصل می شود. در واقع، رواج پول، بر این اساس بوده که ارز رایج به خاطر پذیرش عمومی - یعنی اینکه مردم قبول کردند با آن مبادله کنند و آن را از یکدیگر قبول کنند - رایج شده است؛ در واقع، ضمانتی که برای تسویه پول وجود داشت موجب رواج آن شد، نه اینکه چون کالای ارزشمندی است، مورد اقبال واقع شود.

[پول] ارزش انتزاعی، قدرت خرید کلی را اندازه گیری و ذخیره سازی می کند و آن را از طریق فضا یا زمان منتقل می کند. از این حیث، پول ارزش دارد نه به خاطر اینکه کالایی با ارزش ذاتی ثابت است (اگرچه ممکن است مرجعی آن را دارای ارزش ثابت اعلام کند؛ مانند پایه طلا) بلکه، پول قدرت خرید انتزاعی یا همان «ارزش اشیاء بدون خود اشیاء است». این ویژگی انتزاعی پول، به صورت «اعتبار» یا «ادعا» بر سر کالاها یا تسویه بدهی در نظام های پولی امروزی نمود بسیار بیشتری در مقایسه با دوره ضرب سکه از فلزات گران بها پیدا کرده است (اینکام، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

برای درک اعتباری بودن پول می توانیم فرایند تبدیل پدیده ها به امور واقعی را تحلیل کنیم. به عبارتی، آنچه درباره امور واقعی مثل پول (فلز، کاغذ یا هر چیزی که به خاطر آن پول

با این حال، یک نگاه دیگر در این زمینه وجود دارد که برخلاف مکتب اتریش و نئوکلاسیک ها می پندارد پول صرفاً یک مطالبه یا سند بدهی است، نه یک کالای ارزشمند. به سخن دیگر، پول صرفاً حامل یک ارزشی است که صادرکننده آن، به طلبکار خود انتقال می دهد؛ سندی است که صادرکننده آن علیه خود صادر می کند و می گوید به پشتوانه این سند می توانی خرید کنی؛ بنابراین به طور خلاصه و سراسر است، در این نگاه پول همان قدرت خرید است.

شکی نیست که مبادله به وسیله ابزارهایی انجام می شده، از نمک گرفته یا حتی تهاتر، پای چیزی در میان بوده که مبادله را آسان می کرده. می توانیم فرایندها را تا اینجا خودجوش و بازاری بدانیم، اما این تمام ماجرا نیست. مسئله اصلی در واقع، کیفیت پول شدن است، یعنی اینکه باید ببینیم چه چیزی پول را پول (به این معنا که به عنوان ارز غالب شناخته شود) می کند. توجه داشته باشیم که ارزهای محلی یا پول هایی که به صورت محدود - مثلاً در یک قبیله - رواج داشتند، جزو این مدعا (ارز غالب) نیستند. در نگاه اتریشی دیدیم که «واسطه مبادله بودن» خصلت لازم پول شدگی است. اما در اینجا می خواهیم این موضع را مطرح کنیم که «مبادله پذیری» خصلت اساسی پول شدن است.

جایگزینی «مبادله پذیری» با «واسطه مبادله بودن»، یعنی اعتبار و مطالبه، جایگزین اشیاء مبادله شدنی یا نمادهای اشیاء می شوند. در این حالت دیگر ارزش پول در



آن‌ها نسبت داده شده است. به بیان خلاصه، کارکرد هرگز ذاتی نیست؛ بلکه همیشه وابسته به ناظر است (همان: ۳۳)

منظور سرل این است که وقتی در علوم اجتماعی از امر واقع صحبت می‌کنیم، این امر واقع، یک شیء در جهان خارج و مستقل از نوع معنادهی ما به آن نیست... به‌عنوان مثال، پول (فلزی یا کاغذی) را در نظر بگیرید. سکه یا اسکناس یک شیء فیزیکی است مثل آجر. ولی وقتی اعضای جامعه معنای متفاوتی به آن دادند و آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای مبادله یا ذخیره ارزش پذیرفتند، دیگر پول به معنای فلز با کاغذ نیست. به عبارت دیگر، پول از نظر اجتماعی دیگر یک شیء فیزیکی نیست، بلکه یک امر واقع نهادی است که جایگاه و کارکرد ویژه خود را در نهاد مربوطه دارد... این خاصیت ذهن است که به یک شکل مثل [X فلز یا کاغذ] در یک زمینه مثل [C جامعه] می‌تواند معنایی مثل [Y اعتباری که نقش‌های پول را ایفا می‌کند] بدهد، مبنای شکل‌گیری امور واقع نهادی است. به همین جهت است که سرل می‌گوید: در زمینه X، C به‌مثابه Y در نظر گرفته می‌شود (معرفی‌محمدی، ۱۳۹۴: صص ۴-۱۵۳). ما در اینجا با تفکیک بین امور واقع نهادی و امور واقع طبیعی کاری نداریم، یعنی موجه‌بودن این تفکیک موضوع مورد بررسی ما نیست؛ البته برای درک بهتر مفهوم پول خوب است به تفکیک قاعده تنظیم‌گر و قاعده تقویم‌گر اشاره کنیم؛ قاعده تنظیم‌گر، یک قاعده قراردادی است و در جهت تنظیم رفتار

را می‌شناسیم) صحبت می‌کنیم، درباره چه چیزی حرف می‌زنیم؟ برای پاسخ به این سؤال به آرای سرل رجوع می‌کنیم. سرل تلاش می‌کند تا ساختار منطقی امور واقع نهادی را تشریح کند. او سه مفهوم نیت‌مندی (حیث التفاتی) جمعی تخصیص یک کارکرد و کارکرد جایگاهی را تعریف می‌کند. طبق استدلال سرل:

- امور واقع اجتماعی نتیجه نیت‌مندی جمعی است.
- انسان این ظرفیت را دارد که به یک شیء کارکردی را تخصیص دهد که آن شیء به واسطه ویژگی‌های ذاتی‌اش آن کارکرد را ندارد.
- برای تبدیل امور واقع اجتماعی به امور واقع نهادی، یک جایگاه خاص به شکل جمعی باید به یک شیء نسبت داده شود (معرفی‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

اینجا همان مباحث اعتباریات مطرح است، چنانچه سرل تأکید دارد:

برای هر خصوصیت وابسته به ناظر مانند F، همچون F به‌نظررسیدن منطقاً مقدم است بر F بودن زیرا - مطابق تعبیر مناسب - همچون F به‌نظررسیدن شرط لازم F بودن است. اگر این نکته را بفهمیم، بخش قابل‌توجهی از راه را برای درک هستی‌شناسی واقعیتِ برساخته اجتماع طی کرده‌ایم (سرل، ۱۳۹۸: ۳۱). کارکردها هیچ‌گاه از نظر فیزیکی ویژگی ذاتی هیچ‌یک از پدیده‌ها نیست، بلکه از بیرون توسط ناظران و کاربرانِ خودآگاه به



وقتی ما با یک شکل تغییر یافته از واسطه مبادله (سکه طلا به جای فلز طلا) روبه‌رو هستیم، هر احتمالی - در جایگاه تحلیل، نه در جایگاه تاریخی - وجود دارد؛ مثلاً ممکن است خواست دولت‌ها به شکل‌گیری سکه طلا منتهی شده باشد. البته اگر معیارهای تهاتری نظیر مانند پوست گوسفند و... را مدنظر قرار دهیم استدلال منگر و میزس درست می‌شود؛ اما وقتی از پول (و نه تهاتر) صحبت می‌کنیم، این استدلال معتبر نیست.

توجه داشته باشیم که این گفته بدین معنا نیست که طلا و نقره قبل از پول‌شدگی وجود نداشتند، مسئله این است که ما نمی‌توانیم بفهمیم چگونه یک کالای کمیابی مثل طلا، بیشترین قابلیت عرضه در بازار را به‌مرور زمان پیدا کرده است؛ چون پول، حالت تغییر شکل یافته طلاهای پیشین در بازار است. زمانی مدعای منگر و میزس درست بود که خود طلا قبل از سکه طلا وسیله مبادله می‌بود. پس اگر بخواهیم مدعای اتریشی را بسنجیم باید ببینیم آیا خود محصول (نه مواد اولیه‌اش)، قابلیت بازاری‌ترین کالا شدن را داشته است یا نه.

کارل منگر در مقاله‌ای تأثیرگذار درباره منشأ پول که سال‌ها پیش منتشر شد، به طرز هوشمندانه‌ای استدلال کرد که می‌توان انتظار داشت استانداردهای پولی بر اساس کالاهایی بوده باشند که رایج‌ترین و آسان‌ترین در بازار مبادله بودند، زیرا این کالاها حداکثر قابلیت فروش را داشتند. قوانین حقوقی نشان می‌دهند که اگرچه این ممکن است درباره جایگزین‌های پول صادق

وضع می‌شود؛ و از عوامل سازنده جهان خبر نمی‌دهد؛ بنابراین برای دقت در صورت‌بندی سرل می‌توانیم بگوییم یک قاعده تنظیم‌گر مثل پول در یک چارچوب شرطی (اگر... آنگاه) معنادار است، بدین صورت که اگر X عمل Y را انجام دهد، نتیجه حاصل می‌شود.

وقتی که می‌گوییم کاغذهایی با چنین و چنان شکل و شمایل، به‌خودی‌خود برای پول‌بودن کافی نیست، و همچنین، عبارت X خصوصیتی علی را بیان نمی‌کند که برای پول‌بودن آن چیزها بدون دخالت انسان‌ها کفایت کند؛ بنابراین هرگاه قاعده تقویمی به‌کار رود، عبارت Y باید شأن جدیدی به چیزی نسبت دهد که آن شأن و جایگاه را صرفاً به‌واسطه برآورده کردن شرایط ذکر شده در X دارا نیست؛ به‌علاوه هم در مورد نسبت دادن آن شأن به مدلول‌های X و هم در مورد کارکرد مرتبط با آن باید توافقی جمعی، یا دست‌کم سطحی از پذیرش، وجود داشته باشد. همچنین به علت آنکه خصوصیات فیزیکی تشریح‌شده در X به‌خودی‌خود برای تضمین تحقق کارکرد نسبت داده‌شده در Y کفایت ندارد، شأن جدید و کارکردهای آن باید از نوع آن چیزهایی باشد که با پذیرش یا توافق جمعی قابل برساختن باشد... [ضمن اینکه] کافی نیست که این تخصیص اولیه را قبول داشته باشیم که این چیز پول است؛ بلکه باید آن را به‌عنوان پول هم بپذیریم وگرنه آن چیز ارزشی نخواهد داشت (سرل، ۱۳۹۸، صص ۶۸-۶۹).

سؤالی که منگر و میزس در توصیف پول به‌عنوان بازاری‌تری کالا از آن غافل بودند این بود که قبل از این فلزات x و y به‌عنوان پول انتخاب شوند، نمی‌توانیم بدانیم به همین شکل در بازار وجود داشتند یا نه؛ در واقع،



ماهیت و نقش نهادها محسوب می‌شود. در این بین، به شیوه تغییر افراد و شکل‌یابی مجدد ایشان در بستر نهادهایی که در آن‌ها فعالیت می‌کنند، توجه کافی نشده است. این دیدگاه در مورد پول از سوی اقتصاددان نهادگرایی قدیم، و سلی میچل، صورت گرفت. او تأکید داشت که تکوین پول صرفاً نتیجه روابط متقابل افراد نبوده است. ظهور پول را نمی‌توان صرفاً بر این اساس توضیح داد که قیمت‌ها را پایین آورد و زندگی را برای معامله‌گران راحت‌تر کرد. نفوذ مبادله پول به زندگی اجتماعی دقیقاً پیکربندی‌های عقلانیت را تغییر داد از جمله مفاهیم ویژه‌ای مثل انتزاع، اندازه‌گیری، کمیت‌پذیری و نیت محاسباتی؛ بنابراین ظهور پول به معنای تغییر و تحول آدم‌ها بود تا اینکه نشانه ظهور نهادها و قواعد (هاجسون، ۱۳۹۶: ۱۹۱).

باشند؛ اما درباره کالاهایی که به عنوان استاندارد [پول] استفاده می‌شدند، درست نیست؛ یا حداقل لزوماً صادق نیست (7: Grierson, 1977).

از دیگر سو، نگرش منگر یک نگرش ناقص - به لحاظ هستی‌شناسی پول - ارائه می‌دهد که در آن دلایل شکل‌گیری و عوارض شکل‌گیری پول به صورت نصفه و نیمه ذکر می‌شود. در واقع، در روایت منگر از تاریخ پول جنبه اجتماعی پول نادیده گرفته شده، و در یک ساده‌سازی قابل توجه، به یک مسئله کاملاً اقتصادی فروکاسته می‌شود:

در دریافت منگری [از پول] تأکید بر تکوین نهادها از دل کنش و واکنش‌های افراد است... این نکته مهمی است؛ اما نگاهی یک‌طرفه به

منابع

۱. آموس، سیف‌الدین. (۱۴۰۰) استاندارد بیت کوین: جایگزینی غیرمتمرکز برای بانک مرکزی (ترجمه محمد مبینی) تهران: نشر آماره
۲. اینگام، جفری. (۱۳۹۸) سرمایه‌داری (ترجمه سید احسان خاندوزی و علیرضا اشرفی احمدآباد) تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۳. باگوس، فیلیپ؛ مارکوت، آندریس. (۱۴۰۰) دستبرد ناپیدا (ترجمه حسین حسن‌زاده سروستانی و علیرضا زمانی) تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۴. سرل، جان. (۱۳۹۸) ساخت واقعیت اجتماعی (ترجمه میثم محمدامینی) تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم
۵. مصلح، علی‌اصغر. (۱۳۹۲) ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) و فلسفه فرهنگ. تهران: انتشارات پگاه روزگار نو



۶. معرفی محمدی، عبدالحمید. (۱۳۹۴) علم اقتصاد و مسئله شناخت: نقدی معرفت‌شناختی بر روش‌شناسی اقتصاد نئوکلاسیکی. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۷. منگر، کارل. (۱۳۹۴) اصول علم اقتصاد (ترجمه فرهاد نوع‌پرست، حسین فلاحی) تهران: انتشارات آماره
۸. نورث، گری. (۱۳۹۹) دیدگاه‌های پولی میزس (ترجمه محمد جوادی و امیررضا عبدلی) تهران: انتشارات دنیای اقتصاد
۹. هاجسون، جفری. (۱۳۹۶) اقتصاد و آرمان‌شهر (ترجمه آرش طهماسبی) تهران: انتشارات دنیای اقتصاد

10. Mises, Ludwig von. Planning for Freedom. (1974) Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
11. Mises, Ludwig von. (1912) The Theory of Money and Credit. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
12. Mises, Ludwig von. (1931) On the Manipulation of Money and Credit. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
13. Mises, Ludwig von. (1949) Human Action. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
14. Mises, Ludwig von. (۲۰۰۷) Economic Policy. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
15. Rothbard, Morry N. (2011) Economic Controversies. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
16. Rothbard, Morry N. (2006) The Complete Libertarian Forum 1969 - 1984 (2 Volume Set) Alabama: The Ludwig von Mises Institute
17. Rothbard, Morry N. (1994) Case Against the Fed, M. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
18. Grierson, Philip. (1977) The Origins of Money, London : Athlone Press